

A Fiqhi Assessment of Assigning Humanoid Robots the Performance of Tawassuli Commands

Mostafa Masoudian¹ and Alireza Kazemi²

1. Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Shahed University, Tehran, Iran. Email: m.masoudian@shahed.ac.ir

2. Corresponding Author, M.A. Student in Public Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: kazemi.alireza@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The use of humanoid robots to facilitate and accelerate human affairs has become increasingly necessary. Their precision and capacity in performing various tasks sometimes make them appear comparable to humans.
Article history: Received 05 March 2024 Received in revised form 02 May 2024 Accepted 15 May 2024 Available online 22 December 2025	This development raises the fiqhi question whether humanoid robots can be charged with performing tawassuli commands, especially collective obligations.
Keywords: intelligent robot, addressee of the ruling, obligation of humanoid robots, tawassuli commands, ta'abbudi commands	The study uses an analytical approach grounded in ijthadi and fiqhi proofs and draws on theories of usul al-fiqh. It distinguishes between the issuance of a ruling and the performance of an act commanded by the lawgiver. The findings show that humanoid robots may be considered capable performers in the domain of tawassuli collective commands, provided the conditions of performance and supervision are met. This conclusion also has implications for criminalization and responsibility in the legal treatment of robotic conduct.

Cite this article: Masoudian, M., & Kazemi, A. (1404). A Fiqhi Assessment of Assigning Humanoid Robots the Performance of Tawassuli Commands. *Studies of Islamic Jurisprudence and Basis of Law*, 20(2), 291-311. <https://doi.org/10.22034/fvh.2024.18197.1923>



© Author(s) retain the copyright. Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI: <https://doi.org/10.22034/fvh.2024.18197.1923>

Introduction

The development of humanoid robots and modern technologies has made it possible to use robots in performing certain human tasks. It is therefore necessary to examine whether robots can perform acts connected with legal and religious commands. The distinction between tawassuli commands, whose validity does not depend on devotional intention, and ta'abbudi commands, which require intention of worship, is central to the issue.

Methodology

The study adopts an analytical approach based on ijthadi and fiqhi evidence, using theories from *usul al-fiqh*. It proceeds in two stages: first, by examining the theory of legal address and the possibility of including non-human agents within the performance of a command; and second, by evaluating the objections to assigning robots such tasks.

Findings

Analysis of the stages of the lawgiver's address shows a difference between being the legal addressee of a ruling and being the performer through whom the object of a command is achieved. Humanoid robots can be relevant at the level of performance of tawassuli collective commands. Usuli principles such as absolute and conditional obligation, sufficiency of realization of the commanded act, and the absence of a devotional intention requirement support this possibility. Objections based on the philosophy of creation or human interests are not decisive, provided human supervision and the required conditions of performance are preserved.

Legal Implications

From a legal perspective, recognizing the permissibility of robotic performance may help develop models for criminalization and criminal responsibility regarding robotic conduct. Responsibility may not rest only on the manufacturer or operator; in some cases the robot's functional role in the act may become legally relevant within a broader regulatory framework.

Conclusion

Based on the analysis of legal address and fiqhi proofs, the preferred view is that humanoid robots may perform tawassuli collective commands. The realization of conditions, the ability to perform the act, and the observance of relevant human interests are essential. This conclusion is confined to tawassuli commands and does not extend to devotional commands that require worshipful intention.

Declarations

Author Contributions: All authors contributed to research design, analysis of evidence, writing, and review of the article.

Data Availability Statement: Not specified in the source file.

Acknowledgements: No acknowledgement was declared.

Ethical Considerations: The authors observed the ethical principles governing the conduct and publication of scientific research.

Funding: No specific financial support was declared.

Conflict of Interest: No conflict of interest was declared.

Declaration on Generative AI and AI-assisted Technologies: Not specified in the source file.



امکان سنجی فقهی تکلیف ربات‌های انسان‌نما نسبت به اتیان اوامر توصلی

مصطفی مسعودیان^۱ و علیرضا کاظمی^۲

۱. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. رایانامه: m.masoudian@shahed.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشجوی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: kazemi.alireza@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

کلیدواژه‌ها:

ربات هوشمند،

مخاطب حکم،

تکلیف ربات،

اوامر توصلی،

اوامر تعیدی

امروزه استفاده از ربات‌های انسان‌نما در جهت تسهیل و سرعت‌بخشی به امور زندگی انسان، امری ضروری تلقی می‌شود. دقت و توانمندی این ربات‌ها در انجام امور مختلف به حدی است که گویی یک انسان بدان اقدام کرده است؛ بنابراین یکی از مسائل جدید در محافل علمی فقیهان، صحت یا عدم صحت مبادرت این‌گونه از ربات‌ها به اتیان اوامر توصلی شارع مقدس است. به همین جهت، سؤال اصلی این پژوهش آن است که اقتضای ادله شرعی در خصوص تکلیف ربات‌های انسان‌نما بر اتیان اوامر توصلی چیست؟ این پژوهش پس از بررسی مسئله به روش توصیفی-تحلیلی، بدین نتیجه دست یافته است که با تمسک به ادله‌ای همچون تعلق تکالیف به اراده و شمول خطاب شارع به غایبان، می‌توان جواز تکلیف ربات‌های انسان‌نما به اتیان اوامر توصلی را استنباط نمود. با این حال، حتی در فرض عدم پذیرش این موضوع بر مبنای ادله اجتهادی، می‌توان از منظر ادله فقاهتی و به‌طور مشخص، اصل برائت، به جواز تکلیف شرعی و در نتیجه، مبادرت ربات‌ها به اتیان اوامر توصلی حکم داد.

استناد: مسعودیان، مصطفی؛ و کاظمی، علیرضا. (۱۴۰۴). امکان‌سنجی فقهی تکلیف ربات‌های انسان‌نما نسبت به

اتیان اوامر توصلی. مطالعات فقه اسلامی و مباحث حقوق. ۲۰(۲)، ۲۹۱-۳۱۱.

<https://doi.org/10.22034/FVH.2023.17293.1858>



© نویسنده(گان).

ناشر: جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

توسعه شتابان فناوری و گسترش همه‌جانبه دستاوردهای حوزه فناوری‌های نوظهور، از جمله هوش مصنوعی، به ظهور نسل جدیدی از ماشین‌ها و ربات‌های انسان‌نما انجامیده است که توانایی اشتغال به فعالیت‌های انسانی را دارند. همان‌گونه که برای انسان شارع مقدس در جهت هدایت و سامان‌دهی زندگی توحیدی، ضوابط و احکام خاصی در باب انجام و ترک افعال وضع و جعل کرده است، بهره‌گیری از این‌گونه فناوری‌ها نیز نمی‌تواند خارج از قلمرو قواعد و ضوابط شرعی باشد. در واقع، ربات‌های انسان‌نما با برخورداری از سطحی از خودکارسازی و شبه‌اراده، گاه مبادرت به انجام افعالی می‌نمایند که در ماهیت با ایقاعات و حتی عبادات مشابهت دارند.

در تبیین نوع مسئله مورد بررسی در این پژوهش، باید گفت: موضوع عبارت است از «انجام تکلیف به‌وسیله مکلف در دو صورت انسان و آنچه در حکم انسان است» و متعلق آن «اتیان اوامر توحیدی به‌نحو کفایی» است. دلیل انحصار بحث در حوزه اوامر توحیدی کفایی و احتراز از واجبات عینی آن است که در تکالیف کفایی، غرض شارع تحقق مأموریه در خارج است، نه مباشرت همه مکلفان در انجام آن؛ بنابراین با تحقق مأموریه از سوی برخی، تکلیف از سایرین ساقط می‌شود و در واجبات عینی، امتثال مأموریه توسط هر مکلف به‌طور مستقل موضوعیت دارد و سقوط تکلیف دیگران را به‌دنبال ندارد.

از سوی دیگر، مسئله حاضر در قلمرو احکام تکلیفی مطرح می‌شود؛ زیرا انسان و ربات انسان‌نما هر دو در فعلیت یافتن حکم نقش دارند و فرض بر وجود فعل اختیاری (ولو به‌نحو صناعی) است. بدین ترتیب، هر حکمی که به افعال فاعل مختار تعلق گیرد، در زمره احکام تکلیفی قرار می‌گیرد. نکته مهم آن است که بحث حاضر از شمول احکام و اوامر تعبدی خارج است؛ زیرا حقیقت عبادت مبتنی بر «قصد قربت» است و ربات فاقد توانایی درک و تحقق قصد قربت می‌باشد. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش صرفاً در قلمرو اوامر توحیدی، امکان یا عدم امکان تکلیف ربات‌های انسان‌نما به انجام مأموریه توحیدی را مورد تحلیل و بررسی فقهی قرار می‌دهد. بررسی مبادرت ربات‌های انسان‌نما به انجام اوامر توحیدی و امکان اثبات جواز آن بر پایه ادله شرعی و تحلیل‌های مستند اصولی از اهمیتی بنیادین برخوردار است؛ زیرا چنین تلاشی می‌تواند به تکوین مبنایی روشن و منسجم در فقه فناوری بینجامد و زمینه نظریه‌پردازی فقهی در راستای حکمرانی فراگیر نظام اسلامی در عرصه فناوری‌های نوظهور را فراهم آورد. تبیین مبنای فقهی رفتار ربات‌های انسان‌نما، نه تنها در حوزه فقه‌العبادات و فقه‌المعاملات تأثیرگذار است، بلکه می‌تواند چارچوبی نظری برای فقه کیفری و جرم‌انگاری رفتارهای منتسب به ربات‌ها نیز ارائه دهد. چراکه در صورت پذیرش «ربات انسان‌نما» به‌عنوان موجودی در حکم انسان در انجام افعال توحیدی، مباحث مسئولیت، ضمان و قابلیت انتساب جرم نیز در دایره تحلیل فقهی قرار می‌گیرد.

باین حال، چالش اساسی در تحلیل فقهی این مسئله آن است که ربات انسان‌نما در زمان صدور احکام از سوی شارع مقدس وجود خارجی نداشته است و به‌ظاهر نمی‌توان عنوان «مکلف» را بر آن حمل کرد. لیکن با تأمل در ساختار تخاطب شارع و ساحت‌های آن، می‌توان میان دو مقام تفکیک نمود: مقام صدور حکم و مقام

اتیان و امتثال. شارع مقدس در مقام صدور، خطاب خود را متوجه انسان نموده است، اما در مقام اتیان، ممکن است تحقق مأمور به به وسیله موجودی غیرانسانی که در حکم انسان است، کفایت کند. بر این اساس، پرسش محوری این پژوهش آن است که با لحاظ قدرت و توانایی ربات‌های انسان‌نما در انجام افعال توصیلی، اقتضای ادله شرعی در خصوص جواز اتیان اوامر توصیلی توسط این‌گونه ربات‌ها چیست؟

در این نوشتار، به‌منظور دستیابی به نظریه‌ای اجتهادی و مقبول در عرصه حکمرانی فقه اسلامی و بنیان‌گذاری مبانی فقهی در حوزه فناوری‌های هوشمند، از روش تحلیلی با اتکا به نظریه‌ها و قواعد علم اصول فقه استفاده شده است. بر این مبنا، ساختار مقاله در دو بخش تنظیم گردیده است: در بخش نخست، دیدگاه‌ها و ادله مرتبط با مشروعیت یا عدم مشروعیت مبادرت ربات انسان‌نما به اتیان اوامر توصیلی طرح و تحلیل می‌شود؛ و در بخش دوم، ضمن ارزیابی و مقایسه مبانی هریک از دو دیدگاه، نظر مختار پژوهش بر اساس ادله معتبر اجتهادی ارائه خواهد شد.

پیشینه پژوهش

موضوع ربات‌های هوشمند از جمله مسائل نوپدید در عرصه فناوری به شمار می‌رود. هرچند در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است، اما بخش عمده‌ای از آن‌ها با رویکرد فنی و مهندسی، نظیر مقاله «طراحی، ساخت و راه‌اندازی یک ربات متحرک همه‌جهته» منتشرشده در کنفرانس بین‌المللی انجمن مهندسان مکانیک ایران، به بررسی ابعاد تکنیکی این پدیده پرداخته‌اند. در مقابل، بخشی دیگر از تحقیقات موجود با رویکرد حقوقی و عمدتاً پیرامون شرایط مسئولیت حقوقی و کیفری ربات‌ها نگاشته شده‌اند؛ از جمله مقاله «درآمدی بر مسئولیت کیفری رباتیک از منظر قواعد فناوری و حقوق اسلامی» منتشرشده در فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. با این حال، این آثار غالباً واجد صبغه حقوقی صرف بوده و کمتر به مبانی اجتهادی و اصولی فقه اسلامی در باب امکان یا عدم امکان تکلیف ربات‌های هوشمند پرداخته‌اند. این در حالی است که نخست، بحث از مسئولیت حقوقی ربات‌های هوشمند، فرع بر اثبات شمول خطاب اوامر توصیلی شارع مقدس بر این دسته از ربات‌ها در مقام اتیان مأمور به است؛ و دوم، اثبات تکلیف شرعی برای ربات انسان‌نما می‌تواند پیامدهای فقهی و حقوقی گسترده‌تری نظیر سقوط تکلیف از سایر مکلفان در واجبات کفایی به‌دنبال داشته باشد و صرفاً محدود به حوزه مسئولیت حقوقی نباشد. بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکردی بنیادین و اجتهادی به بررسی شمول یا عدم شمول ربات‌های انسان‌نما در خطابات شارع مقدس از منظر ادله اجتهادی و اصولی می‌پردازد.

دیدگاه‌ها پیرامون تکلیف ربات‌های انسان‌نما به اتیان اوامر توصیلی و ادله آن

مقام مخاطب به وضعیت و موقعیتی اطلاق می‌شود که از خطاب قرار دادن شخص یا اشخاصی از سوی متکلم پدید می‌آید. در این حالت، گوینده را «مخاطب» و طرف خطاب را «مخاطب» می‌نامند. طرف خطاب ممکن است شخصی معین یا مجموعه‌ای از افراد باشد. اصل در مقام مخاطب آن است که متکلم عالم به وضع بوده، در مقام بیان تمام مراد خویش است، قصد جدی در افاده معنا دارد و قرینه‌ای برخلاف مراد خود اقامه نکرده

است؛ مگر آنکه خلاف این اصول ثابت شود (صدر، ۱۳۹۹، ص. ۴۱۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ص. ۶۰۱). در ادامه، دیدگاه‌های موجود درباره مشروعیت مبادرت ربات انسان‌نما به اتیان اوامر توصلی و ادله استنادی آن مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

دیدگاه عدم جواز و ادله آن

بر اساس این دیدگاه، خطابات شارع مقدس و اوامر و نواهی شرعی را نمی‌توان شامل موجودات فاقد اراده و اختیار دانست. در حقیقت طرف‌داران این نظریه بر آن‌اند که شمول خطاب شارع نسبت به ربات‌های انسان‌نما حتی در محدوده اوامر توصلی از نظر مفهومی و مبنایی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا خطاب ناظر به موجودی است که توان درک، قصد و اراده فعل را داشته باشد. در این بخش، به‌منظور تبیین دیدگاه مخالفان، ادله و مبنای این نظریه به‌صورت مستند و تحلیلی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فلسفه خلقت انسان

بر اساس فلسفه وجودی، انسان موجودی است که برای نیل به کمال نهایی نیازمند عمل به برنامه‌های الهی و هدفمند است؛ برنامه‌ای که مسیر حرکت او را به‌سوی تکامل ترسیم می‌کند. هدف از خلقت انسان، دستیابی به کمال از رهگذر بندگی حق تعالی است؛ و از این‌رو، هرآنچه از مسیر اعتدال خارج گردد با غایت خلقت انسان در تعارض است. بر همین اساس، صدور احکام از سوی شارع مقدس نیز بر پایه فلسفه وجودی انسان و در جهت تأمین نیاز او به برنامه‌های الهی برای وصول به کمال توحیدی جامع صورت گرفته است. این حقیقت، اختصاص خطابات شارع به انسان را تبیین می‌کند و محدوده شمول تکالیف شرعی را به اعتبار غایت خلقت منحصر در نوع انسانی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۶۰، ص. ۱۹۲-۱۷۳).

مطلوبات شارع و صدور احکام الهی بر مبنای مصلحت غایی هدایت انسان است؛ زیرا فلسفه اوامر و نواهی شرعی آن است که شارع مقدس بنابر حفظ و بقای مصالح انسانی موجود در افعال، بدان‌ها امر یا از آن‌ها نهی نموده است. اسلام با هدف تربیت، رشد و تعالی انسان، احکام خود را بر اساس مصالح و مقتضیات فطری و وجودی بشر جعل کرده است. بنابر فلسفه خلقت و غایت تشریح، هیچ وجهی برای تعمیم شمول خطابات شارع به موجوداتی غیرانسانی همچون ربات‌های انسان‌نما باقی نمی‌ماند. علت غایی صدور احکام از سوی شارع هدایت انسان است.

بنابراین، هرچند ربات‌های انسان‌نما از قدرت انجام فعل و تحقق ظاهری تکلیف برخوردار باشند، این امر موجب شمول خطاب در مقام صدور احکام بر آنان نخواهد شد. مقام صدور احکام جایگاهی اختصاصی است که توجه و خطاب شارع در آن صرفاً متوجه انسان به‌عنوان مخاطب اصلی و هدف تشریح می‌باشد.

تعلق موضوع علم فقه به انسان

هر عملی که صدور آن از انسان مبتنی بر اراده و اختیار باشد، می‌تواند متعلق اوامر و نواهی شارع و در نتیجه، موضوع تکلیف قرار گیرد. عمل ارادی ماهیتی انسانی دارد؛ و از این‌رو، تنها از فاعل مختار، یعنی انسان، صادر می‌شود. از همین منظر، غایت علم فقه عبارت است از تبیین نظم شرعی ساخت‌های ارادی انسان

به‌اندازهٔ وسع و توان بشری؛ هدف نهایی (غایت اخروی) فقه، رشد و نیل به رضایت الهی است. اما کارکرد دنیوی آن، تنظیم و سامان‌دهی نظام شرعی افعال و رفتارهای ارادی انسان در زندگی اجتماعی و فردی است. بر این اساس و با توجه به محتوای فقه، نوع مسائل مطروحه و دغدغه‌های فقیهان، می‌توان دریافت که علم فقه به‌منظور تبیین و تنظیم نظم شرعی اراده انسان از گهواره تا گور تأسیس شده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ص. ۲۸۹). فقه در حقیقت مجموعه‌ای از نظریه‌ها و قواعد دربارهٔ افعال ارادی انسان است، از آن حیث که انسان مورد خطاب شارع مقدس قرار گرفته و در برابر آن خطاب، مکلف و مسئول است.

بدین ترتیب، غیرانسان از جمله ربات‌های انسان‌نما به‌دلیل فقدان اراده و اختیار حقیقی، موضوع خطاب شارع و متعلق احکام شرعی قرار نمی‌گیرند و از قلمرو علم فقه خارج‌اند. بنابراین صدور اوامر توصیلی از سوی ربات‌های انسان‌نما از حیث فقهی فاقد جواز و اعتبار است. چراکه مبنای تعلق تکلیف و صدور امر، وجود اراده انسانی و قابلیت مسئولیت‌پذیری در برابر شارع است.

مصلحت نوعی

خطابات شارع بنابر مصلحت نوعی عاملی‌اند که رعایت آن‌ها بهبود زندگی انسان را در پی دارد. در واقع، شارع مقدس به‌منظور حفظ و بقای مصلحت نوعی انسانی به آن امر نموده و از مواردی که موجب زوال این مصلحت می‌گردد، نهی کرده است. بنابراین، خطابات شارع با لحاظ مصالح انسانی صادر شده و هیچ مصلحتی غیر از آن مورد نظر نیست (نائینی، ۱۳۸۷، ص. ۹۳). بر اساس فلسفهٔ وجودی انسان و چیستی فقه اسلامی و با توجه به سایر مصالح انسانی، می‌توان گفت مخاطب شارع در مقام صدور احکام منحصر در انسان است و ربات‌های انسان‌نما و هر موجود غیرانسانی، موضوع خطاب شارع و محل صدور احکام از سوی او قرار نمی‌گیرند.

دیدگاه جواز و ادلهٔ آن

شارع در مقام «صدور» با در نظر داشتن مصالح و مفاسد انسان، مطلوبات خود را پایه‌گذاری کرده و مخاطب آن را تنها انسان دانسته است. بدین نحو که تمامی انسان‌ها مخاطب صدور مطلوبات شارع هستند؛ اما در مقام «اتیان» مخاطب شارع در وجهی تمامی انسان‌ها و در وجهی دیگر بعضی از مکلفان و دایره‌ای محدود را شامل می‌شود.

گاهی شارع در مقام اتیان، مطلوب خود را با وجود قصد قربت، امتثال شخصی بما هو الانسان خواسته است؛ و در جایگاهی دیگر بدون لحاظ قصد قربت، عدم اشتراط امتثال شخصی انسان در تمام اجزای حکم را مدنظر قرار داده است. به بیان دیگر شارع مقدس در مقام اتیان مطلوبات خود دو وجه تعبدی و توصیلی را بنیاد نهاده است. به‌گونه‌ای که در وجه اتیان تعبدی، مواردی همچون واجبات عینی و واجبات مباحثی با شرایط اختصاصی هریک مورد نظر است؛ و در وجه اتیان توصیلی، مواردی مانند واجبات کفایی و واجبات غیرمباحثی (غیرتسبیبی) مدنظر قرار گرفته‌اند.

با بررسی وجوه مکمل و تجمیع شرایط، روشن می‌شود که شارع در برخی مقامات، عمل را از تمامی انسان‌ها به‌نحو امتثال شخصی خواسته؛ و در مقامی دیگر از بعضی انسان‌ها خواسته است و آن نیز نه به قصد و نه با اشتراط امتثال شخصی. بدین ترتیب، مخاطب اتیان احکام بر اساس نوع شمول حکم شارع، گاهی تعبداً و عیناً از انسان خواسته شده و گاهی توصلی و به‌نحو کفایت مطالبه گردیده است. در واقع، مخاطبان اتیان احکام به دو وجه تقسیم می‌شوند: اتیان تمامی انسان‌ها و اتیان کمتر و بری بودن اکثر.

در واجبات کفایی، گروهی از مکلفان اتیان امر و رساندن فعل به حالت مطلوب شارع را بر عهده دارند؛ و سایر مکلفان از آن بری خواهند شد. بر همین اساس، در واجب کفایی، عده‌ای به‌سبب اتیان مکفی دیگران، عملی را انجام نخواهند داد (محمدی، ۱۳۹۸، ص. ۲۰۲؛ مظفر، ۱۳۹۹، ص. ۹۶-۹۵؛ مشکینی، ۱۳۹۸، ص. ۵۹؛ علامه حلی، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۵؛ آخوند خراسانی، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۷؛ ولایی، ۱۳۹۸، ص. ۳۶۸).

بنابراین، اگر ربات‌های انسان‌نما به‌جای گروه اقل انسانی، مشغول اتیان امر کفایی شوند، می‌توانند دیگر مکلفان را از انجام آن عمل بری کنند. هرچند «بری‌الذمه» شدن دیگر مکلفان از مبادرت ربات‌های انسان‌نما در اوامر توصلی مستلزم تشریح و تحقق شرایط «حدالکفایه» توسط ربات انسان‌نما است. در ادامه، ضمن تبیین ادله جواز مشروعیت مبادرت ربات‌های انسان‌نما صرفاً در خصوص اوامر توصلی و به‌صورت کفایی، شرایط «حدالکفایه» نیز توسط ربات انسان‌نما بررسی و تشریح خواهد شد.

شمول خطابات شارع به غایبان

بر اساس شمول خطاب شارع به غایبان، می‌توان از مطرح نمودن سؤالاتی بدین شرح تبیین و تحلیل نمود: چطور می‌توان مخاطب اتیان شارع به‌واسطه حضور انسان در مجلس تخطاب را شامل «ربات انسان‌نما» که غایب از مجلس تخطاب است، دانست؟ در واقع، آیا خطابات شفاهی شارع در مقام اتیان شامل غایبان از مجلس تخطاب نیز می‌باشد؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: صرف انشا طلب بدون فعلیت بعث و زجر، تعلق آن به معدومان ممکن است؛ زیرا انشا قلیل المؤمنه است و خداوند متعال می‌تواند انشا طلب صادر کند تا در صورت وجود شرایط دیگر، انشای فوق به مرحله فعلیت برسد. در صورتی که معدومان موجود گشته و شرایط انجام فعل در آنان موجود باشد، مانند ربات‌های انسان‌نما که غایب از محل خطاب بوده‌اند، اما قادر بر فعلیت تکلیف هستند، انشای فوق به مرحله فعلیت می‌رسد و شامل غایبان نیز بنابر جایگاه اتیان برای خطاب شارع می‌گردد.

اصل عدم غفلت

اصل عدم غفلت از اصول لفظی است و به این معناست که هرگاه متکلم کلامی را بیان کند که در معنایی ظهور داشته باشد، گرچه ممکن است به‌دلیل احتمال غفلت وی یا ناقل کلام، قرینه‌ای برای خلاف آن ارائه نشده باشد، عقل در چنین مواردی با تمسک به اصالت عدم غفلت به ظاهر کلام تمسک می‌کند. همچنین، هرگاه احتمال غفلت متکلم در آوردن مخصص، ناسخ یا امثال آن داده شود، این اصل جاری خواهد شد (حکیم، ۱۳۹۸، ص. ۱۶۷؛ مظفر، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۰). نمی‌توان شارع مقدس را نسبت به عدم تعیین حکم

برای ربات هوشمندی که قابلیت به فعلیت رساندن کامل و صحیح احکام توصیلی به‌نحو کفایی را دارد، غافل دانست. بنابراین، می‌توان از اصل عدم غفلت شارع در مواجهه با مسائل نوظهور برای مورد خطاب قرار گرفتن ربات انسان‌نما بهره برد. باین‌حال، شمول خطاب شارع بر ربات‌های انسان‌نما به‌خودی‌خود دلیلی بر جواز مبادرت آن‌ها به اوامر توصیلی نیست. اثبات این جواز تنها در کنار دیگر دلایلی که در ادامه بیان خواهد شد، ممکن است. این اصل صرفاً برای نشان دادن مورد خطاب قرار گرفتن ربات انسان‌نما مورد استناد است.

هدف صدور مطلوب کفایی

مطلوب شارع در واجبات کفایی، امتثال آن امر و رساندن آن به حد مقرر و تعیین شده از سوی شارع است. این‌گونه تکالیف مانند واجبات عینی، صرفاً برای رشد و تربیت شخص انسان نیست؛ بلکه به‌دلیل مصالح جمعی و نیازمندی‌هایی مانند قضاوت و تحکم، حکم کفایی یافته‌اند. در واجبات عینی، شارع مقدس لزوم امتثال شخصی انسان و رساندن فعل به حد مورد نظر را قصد کرده است (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ص. ۵۰۷؛ مطهری، ۱۳۷۷، ص. ۷۲؛ صدر، ۱۳۹۹، ص. ۴۲۳؛ زحیلی، ۱۳۸۸، ص. ۶۲؛ محمدی، ۱۳۹۸، ص. ۴۷). با توجه به اینکه ربات‌های انسان‌نما توانایی ایتیان و رساندن فعل به «حد الکفایه» را دارا هستند، می‌توان از این دلیل برای اثبات جواز مشروعیت مبادرت آن‌ها به اوامر توصیلی کفایی بهره گرفت.

اصل جواز و اصل صحت

بنابر اصل جواز، چون هدف شارع از صدور واجبات کفایی، فعلیت آن بنابر شرایطی است که تعیین شده است، این امر موجب صدور حکم بر جواز امتثال به غیر از انسان (ربات‌های انسان‌نما) شده است؛ زیرا هدف شارع، امتثال امر از سوی مطلق مکلفان و نیز رساندن مطلوب شارع به آن حدی می‌باشد که تعیین نموده است. لذا جواز مبادرت ربات‌های انسان‌نما بنابر قدرت بر امتثال مکفی و مورد اقبال شارع اثبات می‌گردد. بنابر اصل صحت، ترتب احکام صحت بر فعل شخص و نفی احتمال فساد فعل و افعال انشا شده از ربات‌های انسان‌نما اگر مطابق با مطلوب شارع باشد، مقبول واقع می‌شود؛ زیرا آنچه شارع مد نظر داشته است، امتثال شده و فعلیت یافته است (آشتیانی، ۱۳۸۷، ص. ۳؛ زنجانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۳؛ نائینی، ۱۳۸۷، ص. ۳۸۲؛ آخوند خراسانی، ۱۳۸۶، ص. ۴۹۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص. ۱۱۵؛ صدر، ۱۳۹۹، ص. ۲۳۳).

مصلحت العموم

با توجه به شمول خطابات شارع در مقام صدور به تمامی انسان‌ها به‌نحو عام، می‌توان مصالح موجود در آن خطاب را نیز برای تمامی افراد جامعه یا تمامی انسان‌های مکلف دانست. مصالح عام مقابل مصالح شخصی بوده و به مصالحی گفته می‌شود که مربوط به عموم یا اکثر افراد جامعه باشد نه مربوط به شخص یا گروهی خاص. برخی عام بودن مصلحت را از شرایط حجیت مصالح مرسله دانسته‌اند (نمله، ۱۳۹۸، ص. ۳۹۸؛ زحیلی، ۱۳۸۸، ص. ۷۷۳). لذا می‌توان گفت بر مبنای مصلحت العموم، احکام حاصل از خطاب شارع در مطلوبات توصیلی و به‌نحو کفایی، شامل ربات‌های انسان‌نما نیز به‌دلیل قدرت بر انجام و فعلیت آن می‌گردد. چراکه

مبادرت ربات انسان‌نما تأمین‌کننده مصلحت موجود در خطاب شارع است و هدف فعلیت یافتن آن مطلوب توصلی به‌نحو کفایی نیز گسترانیدن مصلحت برای اکثر مکلفین مورد خطاب است.

کیفیت صدور مطلوبات توصلی

در مطلوباتی که جنبه توصلی و غیر مباشری دارند، از آن جنبه‌ای که نیازمند به قصد قربت نمی‌باشد و الزامی هم بر انجام مستقیم آن از انسان نیست؛ لذا، امتثال و مبادرت ربات انسان‌نما بر انجام آن بدون اشکال است. اما در هریک از مطلوبات تبعیدی و مباشری شارع و حتی مقدمات آن‌ها و اتیان بر حصول آن نیز توسط ربات انسان‌نما شرعی نیست؛ و انسان به‌شخصه الزام بر امتثال آن از سوی شارع و به‌نوعی مخاطب اتیان شارع است (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ص. ۱۶۵؛ فاضل لنگرانی، ۱۳۹۰، صص. ۴۴۲، ۳۷-۳۶؛ محمدی، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۳؛ مظفر، ۱۳۹۹، ص. ۷۶؛ نائینی، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۸؛ ولایی، ۱۳۹۸، ص. ۳۶۷؛ عراقی، ۱۳۶۳، ص. ۱۸۳).

قدرت بر فعلیت تکلیف در مطلوبات کفایی

مقتضای خطاب، اعتبار داشتن قدرت در مخاطب است. حتی اگر فرض شود عقل تکلیف کردن به عاجز و ناتوان را قبیح نداند، در موضوع تکلیف وجود توان و قدرت برای مکلف معتبر شمرده می‌شود؛ زیرا حقیقت خطاب، همان بعث و به حرکت درآوردن اراده مکلف به‌سوی یکی از دو گزینه انجام یا ترک فعل است و این دو گزینه تنها در محدوده قدرت مکلف معنا دارند و انتخاب یکی از آن‌ها ترجیحی است بر دیگری (حسینی زیدی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۵-۱۰۲). بر این اساس، می‌توان گفت که وجود قدرت، شرط ورود به دایره شمول خطاب شارع است. بنابراین، موجوداتی که «من لدیه القوه لتکلیف» هستند، که یکی از مصادیق آن ربات‌های انسان‌نما می‌باشد، نیز می‌توانند مخاطب شارع قرار گیرند.

نظریه خطابات قانونیه

به‌دلیل عمومی و کلی بودن دستورات و خطابات شرعی، ربات انسان‌نما نیز مشمول خطاب شارع است؛ زیرا خطاب کلی و عمومی برای مکلف بدون آنکه مقید به افراد قادر و توانا شود، صحیح است و تمام مکلفان را در بر می‌گیرد. اگرچه افراد ناتوان و عاجز و همچنین کفار و خصوصاً غیر ملتفت، نسبت به مخالفت با دستور شرعی معذور هستند. بنابراین، سرپیچی و مخالفت با حکمی که به مرتبه فعلیت رسیده است و فعلی است، گاهی با عذر و گاهی بدون عذر صورت می‌گیرد (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ص. ۳۱۶). بنابر نظریه خطابات قانونیه، خطاب شرعی متناظر با تمام افراد می‌باشد؛ اما مکلف واقع شدن و شمول خطاب شرعی نیازمند اهلیت است که این اهلیت بر دو قسم است: اهلیت وجوب «مقام صدور» و اهلیت اداء «مقام اتیان» (راغبی و صدوقی، ۱۴۰۱، ص. ۱۰۸).

منظور از اهلیت وجوب این است که شخص صلاحیت داشته باشد تکلیف و حکمی بر عهده او قرار گیرد؛ بنابراین هرکسی به وجهی اهلیت برای عهده‌دار شدن حکم وجوب داشته باشد، اهلیت برای وجوب دارد؛ و اگر به‌طور مطلق اهلیت نداشته باشد، وجوب و تکلیف به عهده او نمی‌آید. پس از به عهده آمدن تکلیف یا

به‌طور کامل صلاحیت ادای تکلیف را دارد و یا قاصر است. بنا بر قدرت بر اتیان تکالیف کفایی از رهگذر نظریهٔ خطابات قانونیه امتثال مشروعیت ربات‌های انسان‌نما قابل اثبات است.

ارزیابی دیدگاه‌ها

در این قسمت، به‌منظور ارائهٔ دیدگاه مختار، ادلهٔ هریک از دیدگاه‌های مطرح‌شده بررسی خواهد شد.

ارزیابی دیدگاه جواز

از جمله ادلهٔ طرف‌داران دیدگاه جواز این است که قدرت، شرط ورود به دایرهٔ شمول خطاب شارع است؛ و موجوداتی که «من لدیه القوه لتکلیف» هستند، از جمله ربات‌های انسان‌نما، می‌توانند مخاطب شارع قرار گیرند. ممکن است گفته شود که فعلیت مطلوبات شارع نه بر اساس دلیل شرعی، مقید به قدرت است و نه بر اساس دلایل عقلی؛ و مسئلهٔ حاضر یعنی اثبات جواز از طریق احراز قدرت در ربات انسان‌نما با آیهٔ «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا وَشَعْرًا» مطابقت ندارد.

با این حال، به نظر می‌رسد ظهور این آیه در مقام مولویت است و دلالتی بر ارشاد و تکلیف ندارد؛ یعنی شارع به‌عنوان مولی می‌فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا وَشَعْرًا». ضمن آنکه این آیه ظهور در تکلیف دارد، نه در امتثال خارجی؛ بنابراین، همان‌گونه که مشهور فقیهان قدرت را یکی از شرایط عامهٔ تکلیف می‌دانند، می‌توان گفت قدرت شرط تکلیف است نه شرط امتثال. بر این اساس، برای ربات‌های انسان‌نما به‌دلیل احراز قدرت در فعلیت و امتثال برخی از مطلوبات شرعی، می‌توان عنوان مکلف را نیز نسبت داد.

ممکن است همچنین گفته شود که اگر قدرت شرط تکلیف است، مکلف باید بتواند خود را عاجز کند؛ همان‌گونه که در باب حج بیان شده است: استطاعت شرط وجوب تکلیف و حج است؛ زیرا فقیهان معتقدند مکلف می‌تواند با کاری، امکان استیعاب خود را از بین ببرد و در نتیجه، عدم اتیان مطلوب شارع یا ترک حج رخ دهد. با این حال، مسئلهٔ تعجیز مربوط به مقام امتثال تکلیف و امری عقلانی است. عقل هرچا که مسئله تقویت غرض مولا باشد، آن را قبیح می‌داند. در مسئلهٔ حاضر نیز، تقویت غرض مولا مطرح است و هیچ ارتباطی به تکلیف ندارد تا گفته شود بحث أصالة البراءة مطرح می‌گردد. بنابراین، از رهگذر ادلهٔ اجتهادی، می‌توان مشروعیت مبادرت ربات‌های انسان‌نما به اتیان اوامر توصیلی و کفایی را اثبات نمود.

در ادامه، مهم‌ترین ایرادات و اشکالات ناظر به دیدگاه جواز مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

الف) عدم خطاب به افراد

از جمله اشکالات اصلی مطرح در نقد دیدگاه جواز مبادرت، عدم خطاب افراد در نظر شارع است. بر اساس این نظریه، افراد به‌طور مستقیم مورد خطاب قرار نمی‌گیرند؛ از این رو باید پذیرفت که عناوین کلی مانند عنوان عام «مکلف» بدون لحاظ افراد، موضوع تکلیف واقع می‌شوند. در این صورت، امر صادرشده به‌صورت امر ذهنی محض درمی‌آید و امر ذهنی نمی‌تواند موضوع تکلیف قرار گیرد. به عبارت دیگر، اگر گفته شود عنوان عام به‌لحاظ اشاره به افراد است، ناگزیر باید انحلال به افراد را پذیرفت و گریزی از آن نیست. در هر دو صورت،

از آنجاکه خطاب شارع اساساً متوجه افراد نیست، شمول ربات‌های انسان‌نما در مقام اتیان نیز به‌عنوان مورد خطاب شارع، قابل تصور نخواهد بود.

در پاسخ به این اشکال باید دانست، همان‌گونه که در نظر شارع متعلق حکم «الخمر حرام» عبارت است از «ما یصدق علیه الخمر»، متعلق حکم طبیعت خمر است و افراد خمر نه به‌صورت اجمالی و نه تفصیلی در نظر گرفته نمی‌شوند. به بیان دیگر، وقتی شارع می‌فرماید «یا ایها الناس»، افراد خاص مدنظر نیستند؛ و یا در خطاب «یا ایها الذین آمنوا» عنوان کلی «مؤمن» منظور است. در این خطاب‌ها، شارع عنوان کلی مستطیع را در نظر می‌گیرد؛ اما موجودیت یا عدم موجودیت افراد مستطیع مورد لحاظ نیست. باین‌حال، افراد واقعی به‌عنوان مستطیع تطبیق پیدا می‌کنند.

ب) قصد فعل در مطلوبات توصیلی

باید توجه داشت که در برخی از افعال ربات‌های انسان‌نما به‌صورت توصیلی، لزوم قصد عنوان فعل مطرح شده است. هرچند مطلوبات تبعیدی از موضوع این مقاله خارج دانسته شده‌اند؛ اما عناوین قصیدیه موجود در مطلوبات توصیلی شارع، نیازمند تعلق قصد فعل به انسان به‌عنوان کاربر و یا خود ربات هستند. آنچه روشن است، عدم پذیرش تعلق قصد فعل توسط ربات‌ها است. باین‌حال، این امر به‌معنای نفی جواز یا خدشه بر مشروعیت مبادرت آن‌ها نیست.

در باب قصد امر، هیچ‌گاه گفته نمی‌شود مکلف باید امر متوجه به خود را قصد کند. بلکه هنگام معنا کردن واجب تبعیدی گفته می‌شود: واجب تبعیدی آن است که به قصد امتثال امر آورده شود و کسی الزام به قصد امتثال امری که به خود فرد تعلق دارد، قائل نیست؛ بلکه قصد عمومی امتثال امر کفایت می‌کند.

بر این اساس، در متعلقات توصیلی، قصد فعل به طریق اولویت برای خود فرد موضوعیت ندارد. بلکه اگر برای ربات انسان‌نما توسط کاربر انسان قصد شود، مبادرت ربات به افعال توصیلی که عناوین قصیدیه در آن‌ها لازم است، مشروعیت پیدا می‌کند.

نکته اساسی آن است که مبادرت ربات‌های انسان‌نما به افعال توصیلی که در آن‌ها عناوین قصیدیه لازم نیست، به‌صورت استقلال‌ی و مستقیم صورت می‌گیرد؛ و آن دسته از افعالی که لزوم قصد فعل در آن‌ها مطرح است، ربات نقش ابزاری برای مکلف در فعلیت تکلیف خواهد داشت.

در هر دو حالت، به‌دلیل رعایت شرایط مورد نظر شارع و تحقق حد‌الکفایه، جواز مبادرت این‌گونه ربات‌ها اثبات می‌گردد.

پ) قصد امر در مطلوبات توصیلی

اهلیت انجام امر شارع و شایستگی در اطاعت در مقام اتیان به‌معنای حصول شرایط مورد نظر و به فعلیت رساندن اجزای تشکیل‌دهنده مطلوب توصیلی است. در واجبات کفایی، ربات‌های انسان‌نما قدرت فعلیت مطلوب شارع را دارند، به‌گونه‌ای که تمامی شرایط و اجزای کامل تشکیل‌دهنده آن مطلوب صادر شده توسط شارع را دارا می‌باشند.

بنابراین، قصد اطاعت امر شارع هنگام اقدام و فعلیت توسط ربات‌های انسان‌نما تحقق یافته است؛ زیرا اقدام به امر، به معنای التفات به امر مولا و انجام عمل به انگیزه امتثال است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص. ۲۶۰). با توجه به اینکه التفات به امر شارع در اینجا در فعلیت حکم و اقدام به انجام عمل مصداق پیدا کرده است، می‌توان گفت که منظور از قصد امر، همان اهلیت امتثال و فعلیت مطلوب شارع همراه با تمامی شرایط و اجزای تشکیل دهنده آن است.

در نهایت، قصد امر در امتثال ربات انسان‌نما به دلیل حصول کامل شرایط و انجام تمامی اجزای تشکیل دهنده حکم، تحقق می‌یابد؛ و بدین وسیله اهلیت این ربات‌ها در حصول قصد امر و امتثال مطلوب توصیلی نیز به اثبات می‌رسد.

ت) پذیرش دیدگاه در متعلقات تکلیف و عدم پذیرش در موضوع تکلیف

می‌توان گفت که دیدگاه جواز در متعلقات تکلیف مورد پذیرش است؛ اما در موضوع تکالیف ممکن است دچار تالی فاسد شود. برای مثال، در حکم «الخمیر حرام»، حرمت، حکم شارع است و خمر متعلق متعلق یا همان موضوع حکم به شمار می‌رود. شارع می‌تواند کلیت و طبیعت خمر را به عنوان متعلق قرار دهد حتی اگر برخی از افراد خمر خارج از محل ابتلای مکلف باشند؛ زیرا مورد ابتلا بودن یا نبودن مصادیق خمر مورد نظر شارع نیست. بر این اساس، می‌توان گفت که جواز مبادرت ربات‌های انسان‌نما نهایتاً در فعلیت تکلیف مورد پذیرش است. در این معنا، متعلق تکلیف، همان فعلی است که شارع خواسته است. برای نمونه، در حرمت شرب خمر، تکلیف بر حرمت و عدم شرب مربوط به همان متعلق است.

این اشکال را می‌توان از طریق انطباق عنوان بر افراد پاسخ داد؛ به این معنا که قانون به نحوی جعل شده است که اگر فردی اقدام کند، قانون به طور کلی از بین نمی‌رود. اما در واجب کفایی، اگر عده‌ای عمل را انجام دهند، موضوع برای دیگران ساقط می‌شود و دیگر موضوع برای اتیان وجود ندارد.

ث) عدم اشتراط قدرت در فعلیت تکلیف

یکی دیگر از اشکالات مطرح بر دیدگاه جواز این است که شارع قدرت را به عنوان یکی از شرایط تکلیف قرار نداده است؛ و از سوی دیگر، عقل نیز نمی‌تواند چنین شرطی برای تکلیف شارع وضع کند؛ زیرا عقل، یک قوه مستقل است و نمی‌تواند در احکامی که شارع جعل کرده، تصرف نماید. به عبارت دیگر، عقل نمی‌تواند بگوید: «من قدرت را در حکمی که شارع برای شما قرار داده شرط می‌دانم.» زیرا حکم در اختیار حاکم است و حاکم خداوند می‌باشد و هر آنچه که برای تکلیف شرط باشد، توسط او ذکر می‌شود. همچنین، بر اساس ظاهر ادله شرعی، شارع قدرت را شرط قرار نداده است. بنابراین، طبق این نظریه، احکام شرعی نه بر اساس عقل و نه بر اساس شرع مقید به قدرت نیست.

باید توجه داشت که بین توجه خطاب و شمول خطاب تفاوت وجود دارد. قیبح آن است که امر خطاب خود را مستقیماً متوجه عاجز کند. اما اگر امر یک قانون کلی جعل کند که همان‌طور شامل قادر، عالم و مؤمن

است، شامل عاجز، جاهل و کافر نیز بشود، دیگر قبحی وجود ندارد. بر این اساس، شمول خطاب شارع بر ربات‌های انسان‌نما قابل اثبات است.

ارزیابی دیدگاه عدم جواز

یکی از ادله مطرح در دیدگاه عدم جواز، مربوط به هدف صدور احکام شرعی بر اساس فلسفه خلقت و مصالح انسانی است. در وهله نخست، آنچه واضح است این است که مبادرت ربات‌های انسان‌نما مشکلی در تعارض با مصالح و مقتضیات انسانی ایجاد نخواهد کرد، بلکه می‌تواند تضمین‌کننده و بهبوددهنده آن نیز باشد. امری که از سوی شارع نیز مورد تأیید و استقبال قرار گرفته است.

باید دانست که تنها به‌منظور تعالی و رشد انسان و مصالح اختصاصی او، مبادرت تکلیف به‌طور خاص در اوامر تعبدی از شخص انسان خواسته شده است. اما در اوامر توصلی به‌ویژه در واجبات کفایی با وجود این مصالح، تکلیف به‌نحو خاص از شخص انسان مطالبه نشده است؛ زیرا مطلق مکلفان بر اتیان آن مبادرت دارند. این امر خود نشانگر جواز ارتکاب ربات انسان‌نما حتی در مقام صدور و بر اساس ادله دیدگاه عدم جواز می‌باشد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که اساساً ادله دیدگاه عدم جواز مربوط به مقام صدور خطاب شارع برای ربات‌های انسان‌نما است. بنابراین، حکم صادر شده در این ادله مبنی بر عدم جواز مبادرت ربات انسان‌نما در مقام اتیان قابل پذیرش نیست.

بحث

تحلیل و ارزیابی ادله دیدگاه‌ها و وجوه قابل ذکر در مسئله، اتقان دیدگاه جواز تکلیف ربات‌های انسان‌نما نسبت به اتیان اوامر توصلی را نشان می‌دهد. بر این اساس، با اتکا به ادله اجتهادی مانند تعلق تکالیف به اراده و شمول خطاب شارع به غایبان، نظر مختار پژوهش حاضر، جواز مبادرت ربات انسان‌نما نسبت به اتیان اوامر توصلی است. با این حال، اگر به هر دلیلی این دیدگاه و ادله اجتهادی آن مورد پذیرش واقع نشود، می‌توان با ورود به ساحت ادله فقهی نیز جواز را استنباط نمود. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، بحث از مبادرت ربات‌های انسان‌نما به اوامر توصلی صرفاً ناظر به مرحله اتیان حکم است و نه صدور حکم، زیرا شارع مقدس در مقام صدور احکام، تنها انسان را در نظر گرفته است. با این توضیح، برای اتیان مطلوبات توصلی توسط ربات‌های انسان‌نما می‌توان دو جایگاه را در نظر گرفت:

۱. جایگاه اتیان استقلالی

۲. جایگاه اتیان اشتراکی

در تحلیل مسئله، بنابر جایگاه اتیان استقلالی، می‌توان با استفاده از اصل برائت بیان داشت که پس از مبادرت ربات انسان‌نما به مطلوبات توصلی که عناوین قصیده در آن لازم نیست، اتیان تحقق یافته و تکلیف از دیگر مکلفان ساقط می‌شود و دیگر نیازی به امتثال دیگر مکلفان نیست. با توجه به قدرت ربات در اتیان کامل مطلوبات شارع و عدم نهی شارع از مبادرت آن و نیز تحقق تمامی شرایط فعلیت و رساندن آن به حد کفایت

حکم از نظر شارع، این مسئله قابل استناد به اصل برائت بوده و می‌توان قائل به مقبولیت تکلیف از مبادرت ربات انسان‌نما شد به طوری که سایر مکلفان از آن بری می‌شوند.

در جایگاه دوم یا اتیان اشتراکی که به معنای انجام قصد مطلوبیت توسط مکلف در عناوین توصیلی است که قصد و نیت لازم دارد و فعلیت آن توسط ربات انسان‌نما انجام می‌شود، می‌توان همانند تحلیل جایگاه استقلالی، جواز مبادرت ربات انسان‌نما را پذیرفت. باید دانست که قدرت اتیان کامل شرایط مطلوب توصیلی توسط ربات انسان‌نما، بنابر آنکه موجب تحقق شرایط تکلیف می‌شود ابتدا فعلیت تکلیف و در مرحله بعد وجوب تحصیل قیود را به دنبال دارد.

مراحل گام‌به‌گام بررسی فعلیت به این صورت است:

۱. هرگاه شرایط تکلیف تحقق یابد، تکلیف فعلی می‌شود.

۲. در صورتی که مکلف قدرت داشته باشد، تحصیل قیود واجب شده و به عبارتی تکلیف واجب می‌گردد. بنابراین با تحقق شرایط تکلیف و قدرت بر اتیان توسط ربات انسان‌نما می‌توان قائل به فعلیت تکلیف و مسئولیت آن در برابر خطاب شارع بود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با ارائه نظریه دوساحتی عنوان مقامات خطاب شارع بر مقام اتیان و مقام صدور توانسته است در رهگذر از ادله اجتهادی و فقهاتی حکم بر جواز مبادرت ربات‌های انسان‌نما صادر کند و اثبات نماید که در نظر شارع بنابر مقام اتیان، امتثال ربات‌های انسان‌نما بر اوامر توصیلی کفایتی موجب رفع تکلیف از دیگر مکلفان خواهد شد.

اثبات ربات انسان‌نما در عنوان مکلف به سبب خطاب شارع، مقتضی جواز بررسی آن در مراتب حکم در دستیابی بر صحت و یا عدم صحت مبادرت آن بر احکام کفایتی است. تحقیق مسئله در نخستین مرتبه از فرآیند استنباط حکم شرعی یعنی مرحله اقتضا به دلیل وجود دو شرط اتیان امر شارع و کفایت از امتثال دیگران و رساندن واجب کفایتی به فعل مد نظر و مکفی شارع، صحت مبادرت ربات انسان‌نما بر احکام کفایتی را در پی داشته است. تحقیق مسئله در مرحله دیگر استنباط حکم شرعی یعنی مرتبه فعلیت نیز قدرت اتیان کامل شرایط مطلوب کفایتی توسط (آنچه که در حکم انسان است) بنابر آنکه تحقق تکلیف و در وهله بعد وجوب تحصیل قیود را در پی دارد، حکم بر صحت مبادرت می‌گردد. این مسئله در اصول عملیه نیز مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به امر شارع مبنی بر اتیان مطلوب کفایتی توسط انسان و عدم نهی از مبادرت کسی که قدرت انجام فعل با قیود لازم را دارد و با تحقق شرایط امتثال مکفی، مبادرت ربات انسان‌نما مکفی بوده و لازمه اتیان دیگری را در پی ندارد. چراکه بنابر تعیین نوع شک، برائت جاری کرده و حکم بر جواز مبادرت ربات انسان‌نما خواهد شد. فارغ از ثمرات فقهی بیان شده، اثبات مشروعیت اتیان اوامر توصیلی توسط ربات‌های انسان‌نما می‌تواند از منظر حقوقی مثبت ارائه الگویی مشخص برای جرم‌انگاری ارتکاب رفتارهای مجرمانه و اثبات مسئولیت کیفری برای این گونه ربات‌ها باشد. بر این اساس، گرچه امروزه در قوانین کیفری در صورت ارتکاب رفتارهای مجرمانه

از طریق ربات‌های هوشمند صرفاً سازنده یا کاربر آن از باب تسبیب تحت تعقیب قرار گرفته و مجازات می‌شود، مطابق با نتایج حاصل از پژوهش حاضر می‌توان ضمانت‌اجراهایی همچون ممنوعیت فعالیت و استفاده از ربات متخلف به‌طور دائم یا موقت یا انعدام یا الزام به تغییر کاربری این‌گونه ربات‌ها را به قانون‌گذار پیشنهاد نمود.

منابع

- خراسانی، محمدکاظم بن حسین (آخوند). (۱۳۸۴). درر الفوائد فی الحاشیة علی الفرائد. قم: مؤسسه توسعه فرهنگ قرآنی.
- خراسانی، محمدکاظم بن حسین (آخوند). (۱۳۸۶). کفایة الأصول. قم: دارالفکر.
- آشتیانی، محمدحسن بن جعفر. (۱۳۸۷). بحر الفوائد. قم: ذوی القربی.
- بروجردی، سید حسین. (۱۳۷۰). نہایة الأصول. قم: تفکر.
- بروجردی، محمد. (۱۳۹۴). مبانی حقوق اسلامی (مختلف الأصول). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- حسینی زیدی، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۸). قدرت تامه شرط انشاء، فعلیت یا تنجز؟. فقه و اصول، ۵۱ (۱).
- حکیم، سید محمدسعید. (۱۳۹۸). المحکم فی أصول الفقه. قم: دارالهلال.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۲). مبادئ الوصول الی علم الأصول. قم: دارالأضواء.
- راغبی، محمدعلی و صدوقی امین، محمد. (۱۴۰۱). درآمدی تحلیلی به نظریه خطابات قانونی امام خمینی (ره) و پیامدهای آن در فقه عبادات. فقه و اصول، ۵۴ (۱)، ۱۰۸-۱۱۰.
- زحیلی، وهبه. (۱۳۸۸). أصول الفقه الاسلامی. قم: احسان.
- زنجانی، میرزا باقر. (۱۳۹۶). تحریر الأصول. نجف: مطبعة النعمان.
- شهابی، محمود. (۱۳۹۷). تقریرات الأصول. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۳۹۹). بحوث فی علم الأصول. قم: دائرة المعارف الفقه الاسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۰). تفسیر المیزان. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عراقی، ضیاءالدین. (۱۳۶۳). منهج الأصول. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۹۰). سیری کامل در اصول فقه. قم: فیضیه.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۹۰). کفایة الأصول. قم: فیضیه.
- محمدی، ابوالحسن. (۱۳۹۸). مبانی استنباط حقوق اسلامی یا اصول فقه. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مشکینی، علی. (۱۳۹۸). اصطلاحات الأصول. قم: الهادی.
- مشکینی، علی. (۱۳۹۸). تحریر المعالم. قم: الهادی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). آشنایی با علوم اسلامی. تهران: صدرا.
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۹۹). أصول الفقه. قم: دارالفکر.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). القواعد الفقهیة. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). أنوار الأصول. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۶). الرسائل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سید مصطفی. (۱۳۸۶). تحریرات فی الأصول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۶). جواهر الأصول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نائینی، میرزا محمدحسین. (۱۳۸۷). أجود التقریرات. قم: صاحب الأمر.
- نائینی، میرزا محمدحسین. (۱۳۸۷). فوائد الأصول. قم: صاحب الأمر.
- نملة، عبدالکریم بن علی بن محمد. (۱۳۹۸). الجامع لمسائل أصول الفقه. ریاض: مكتبة الرشد.
- ولایی، عیسی. (۱۳۹۸). فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول. تهران: نی.

Reference

- Khurāsānī, Muḥammad Kāzīm b. Ḥusayn, known as Ākhūnd Khurāsānī. (1384 SH [2005/2006 CE]). *Durar al-fawā'id fi al-ḥāshiya 'alā al-Farā'id* [Pearls of benefits: A gloss on *al-Farā'id*]. Qom: Institute for the Development of Qur'anic Culture.
- Khurāsānī, Muḥammad Kāzīm b. Ḥusayn, known as Ākhūnd Khurāsānī. (1386 SH [2007/2008 CE]). *Kifāyat al-uṣūl* [The sufficiency of the principles]. Qom: Dār al-Fikr.
- Āshtiyānī, Muḥammad Hasan b. Ja'far. (1387 SH [2008/2009 CE]). *Baḥr al-fawā'id* [The sea of benefits]. Qom: Dhawī al-Qurbā.
- Burūjirdī, Sayyid Ḥusayn. (1370 SH [1991/1992 CE]). *Nihāyat al-uṣūl* [The culmination of the principles]. Qom: Tafakkur.
- Burūjirdī, Muḥammad. (1394 SH [2015/2016 CE]). *Mabānī-yi ḥuqūq-i Islāmī: Mukhtalif al-uṣūl* [Foundations of Islamic law: *Mukhtalif al-uṣūl*]. Tehran: Institute for Publishing and Printing, University of Tehran.
- Ḥusaynī Zaydī, Sayyid Abū al-Qāsim. (1398 SH [2019/2020 CE]). Is complete capacity a condition of issuance, actuality, or enforceability? *Fiqh wa Uṣūl* [Jurisprudence and Principles], 51(1).
- Ḥakīm, Sayyid Muḥammad Sa'īd. (1398 SH [2019/2020 CE]). *al-Muḥkam fi uṣūl al-fiqh* [The precise treatise in the principles of jurisprudence]. Qom: Dār al-Hilāl.
- Ḥillī, Hasan b. Yūsuf. (1382 SH [2003/2004 CE]). *Mabādi' al-wuṣūl ilā 'ilm al-uṣūl* [Preliminaries for attaining the science of legal theory]. Qom: Dār al-Adwā'.
- Rāghibī, Muḥammad 'Alī, & Ṣadūqī Amīn, Muḥammad. (1401 SH [2022/2023 CE]). An analytical introduction to Imam Khomeini's theory of legal addresses and its implications for the jurisprudence of worship. *Fiqh wa Uṣūl* [Jurisprudence and Principles], 54(1), 108–110.
- Zuhaylī, Wahba. (1388 SH [2009/2010 CE]). *Uṣūl al-fiqh al-Islāmī* [The principles of Islamic jurisprudence]. Qom: Iḥsān.
- Zanjānī, Mīrzā Bāqir. (1396 SH [2017/2018 CE]). *Tahrīr al-uṣūl* [Refinement of the principles]. Najaf: Maṭba'at al-Nu'mān.
- Shahābī, Maḥmūd. (1397 SH [2018/2019 CE]). *Taqrīrāt al-uṣūl* [Lecture notes on legal theory]. Tehran: Institute for Publishing and Printing, University of Tehran.
- Ṣadr, Sayyid Muḥammad Bāqir. (1399 SH [2020/2021 CE]). *Buḥūth fi 'ilm al-uṣūl* [Studies in the science of legal theory]. Qom: Dā'irat al-Ma'ārif al-Fiqh al-Islāmī.
- Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. (1360 SH [1981/1982 CE]). *Tafsīr al-Mizān* [The balance in Qur'anic exegesis]. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom.
- 'Irāqī, Ḍiyā' al-Dīn. (1363 SH [1984/1985 CE]). *Minḥāj al-uṣūl* [The path of legal theory]. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom.
- Fāḍil Lankarānī, Muḥammad. (1390 SH [2011/2012 CE]). *Sīrī kāmil dar uṣūl-i fiqh* [A complete survey of the principles of jurisprudence]. Qom: Fayḍiyya.
- Fāḍil Lankarānī, Muḥammad. (1390 SH [2011/2012 CE]). *Kifāyat al-uṣūl* [The sufficiency of the principles]. Qom: Fayḍiyya.
- Muḥammadī, Abū al-Ḥasan. (1398 SH [2019/2020 CE]). *Mabānī-yi istinbāt-i ḥuqūq-i Islāmī yā uṣūl-i fiqh* [Foundations of deriving Islamic law, or principles of jurisprudence]. Tehran: Institute for Publishing and Printing, University of Tehran.
- Mishkīnī, 'Alī. (1398 SH [2019/2020 CE]). *Iṣṭilāḥāt al-uṣūl* [Terminology of legal theory]. Qom: al-Hādī.

- Mishkīnī, 'Alī. (1398 SH [2019/2020 CE]). *Tahrīr al-ma'ālim* [Refinement of *al-Ma'ālim*]. Qom: al-Hādī.
- Muṭahharī, Murtaḍā. (1377 SH [1998/1999 CE]). *Āshnā'ī bā 'ulūm-i Islāmī* [Introduction to the Islamic sciences]. Tehran: Šadrā.
- Muẓaffar, Muḥammad Riḍā. (1399 SH [2020/2021 CE]). *Uṣūl al-fiqh* [Principles of jurisprudence]. Qom: Dār al-Fikr.
- Makārim Shīrāzī, Nāšir. (1386 SH [2007/2008 CE]). *al-Qawā'id al-fiqhiyya* [Jurisprudential maxims]. Qom: Publications of Madrasa-yi al-Imām 'Alī b. Abī Ṭālib.
- Makārim Shīrāzī, Nāšir. (1386 SH [2007/2008 CE]). *Anwār al-uṣūl* [Lights of legal theory]. Qom: Publications of Madrasa-yi al-Imām 'Alī b. Abī Ṭālib.
- Mūsawī Khomeinī, Rūḥ Allāh. (1386 SH [2007/2008 CE]). *al-Rasā'il* [The treatises]. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mūsawī Khomeinī, Sayyid Muṣṭafā. (1386 SH [2007/2008 CE]). *Tahrīrāt fī al-uṣūl* [Writings on legal theory]. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mūsawī Khomeinī, Rūḥ Allāh. (1376 SH [1997/1998 CE]). *Jawāhir al-uṣūl* [Jewels of legal theory]. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Nā'īnī, Mīrzā Muḥammad Ḥusayn. (1387 SH [2008/2009 CE]). *Ajwad al-taqrīrāt* [The finest lecture notes]. Qom: Šāhib al-Amr.
- Nā'īnī, Mīrzā Muḥammad Ḥusayn. (1387 SH [2008/2009 CE]). *Fawā'id al-uṣūl* [Benefits in legal theory]. Qom: Šāhib al-Amr.
- Namla, 'Abd al-Karīm b. 'Alī b. Muḥammad. (1398 AH [1978/1979 CE]). *al-Jāmi' li-masā'il uṣūl al-fiqh* [The compendium of issues in the principles of jurisprudence]. Riyadh: Maktabat al-Rushd. [Translator's note: The calendar system of the year is not explicit in the original entry; AH has been inferred from the Arabic publication context.]
- Walā'ī, 'Isā. (1398 SH [2019/2020 CE]). *Farhang-i tashrīḥī-yi iṣṭilāḥāt-i uṣūl* [Explanatory dictionary of legal-theoretical terminology]. Tehran: Nay.